ادامه از صفحه اول

اقتصاد مستغلات نیازمند پوست‌اندازی

منظور ما از نظارت، البته نقش‌آفرینی اجرایی دولت در این بخش، ساخت مسکن یا مجموعه‌های شهری، قیمت‌گذاری و اقداماتی از این دست نیست؛ منظور، برقراری مجموعه‌ای از قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های اجرایی است که در آن چارچوب، بازار زمین و ساختمان به‌شکل کارآمدی مبتنی بر اقتصاد آزاد و بخش خصوصی عمل کند. اولین مولفه در این عرصه «عدم‌شفافیت بازار» است. واقعیت آن است که بازار املاک و مستغلات در کشور ما به‌طور کلی غیرشفاف باقی‌مانده است. آمار رسمی در مورد معاملات انجام‌شده روی اراضی شهری، روستایی و قیمت‌های فروش ساختمان و پراکندگی آن قیمت‌ها در دسترس عموم نیست. مثلا، غالبا حجم بالایی از اطلاعات نادرست و شایعه در مورد قیمت‌های واگذاری واحدهای تجاری در محافل کسب‌وکار و معامله ملک پخش می‌شود و خریداران و مستاجران این واحدها، بر اساس همین اطلاعات غیرصحیح به انجام معامله اقدام می‌کنند. اقدام اخیر وزارت راه و شهرسازی برای تهیه نرم‌افزاری که قیمت‌های معاملاتی را نشان بدهد، تا حدی این نقیصه را برطرف می‌کند. این وظیفه البته برعهده شهرداری‌هاست که آمار مربوط به قیمت‌های معاملاتی را گردآوری و منتشر کنند. حتی بنگاه‌های خصوصی می‌توانند با استفاده از اطلاعات خامی که شهرداری‌ها و ادارات ثبت و مالیاتی در اختیار آنها می‌گذارند، قیمت‌های معاملاتی را به‌طور شفاف اعلام کنند و به تحلیل اطلاعات برای راهنمایی معامله‌گران بپردازند. اقدام وزارت راه و شهرسازی در تهیه نرم‌افزاری که نشان دهد در هر نقطه از شهر، قیمت‌های معاملاتی چه بوده است، شروع مناسبی در این مسیر است. غیر از ضرورت شفافیت قیمت‌های مستغلات در ایران می‌توان به مساله ارزشیابی زمین و ساختمان به‌عنوان معضلی جدی بر سر راه کارآیی معاملات مستغلات اشاره کرد. بیشتر کسانی که خود را ارزیاب یا ارزشیاب زمین و ساختمان در ایران معرفی می‌کنند، کمترین دانشی در این عرصه ندارند؛ غالبا هیچ سررشته‌ای از حوزه مالی ندارند و در این حوزه از علم، کمترین آموزش را دیده‌اند. این درحالی است که ارزشیابی، مقوله‌ای در چارچوب علم مالی است و ضرورت دارد ارزشیاب، مبانی مربوط به ارزشیابی را در چارچوب این علم فراگرفته باشد. مثلا، اینکه زمینی دوبر یا سه‌بر چگونه باید ارزشیابی شود و در مقایسه با زمینی که دوبر یا سه‌بر نیست، چه تفاوت‌های قیمتی دارد، تقریبا بر هیچ ارزشیاب ایران مکشوف نیست. متاسفانه کم نیستند ارزشیابان زمین و ساختمانی که با مراجعه به دفترهای معاملات ملکی، یا صرفا با لحاظ تمایل دو طرف به قیمتی خاص جهت انجام معامله، اعلام قیمت می‌کنند. اما در بسیاری کشورها، کارشناسان ارزشیابی زمین و ساختمان معمولا تحصیلاتی جامع در حوزه مالی دارند. سوابق انجمن‌های ارزشیابان زمین و ساختمان در کشوری مثل آمریکا از یک قرن تجاوز می‌کند. در بیشتر کشورها، ارزشیابان زمین و ساختمانی، ارزشیابی‌ای را انجام می‌دهند که همگی مدارک دانشگاهی و حرفه‌ای در حوزه مالی دارند. انجمن‌های ارزشیابی زمین و ساختمان از اعضای خود می‌خواهند تا با اخذ مدارک حرفه‌ای در رشته ارزشیابی، توان قیمت‌گذاری زمین در شهرهای جدید، در مرکز شهرها، در بافت‌های فرسوده، در مناطق روستایی، در مناطق بین‌راهی و انواع زمین‌های دوبر، سه‌بر در جبهه‌های جلو و عقب را تعیین کنند. به‌علاوه در ارزشیابی زمین، موقعیت‌های جغرافیایی شهر را به‌دقت در ارزشیابی خود وارد کنند. در مورد ارزشیابی ساختمان نیز که بیشتر موضوعی مربوط به برآورد هزینه‌های ساخت و جایگزینی ساختمان است، این ارزشیابان غیر از داشتن اطلاعات فنی مربوط به قیمت مصالح، دستمزدها و هزینه‌های فنی، برای برآورد قیمت روز دارایی‌های ساختمانی، از دانش مالی بهره می‌گیرند.

عرصه سوم ناکارآمدی بازارهای زمین و ساختمان و عدم‌شفافیت قیمت‌ها در ایران به فعالیت بنگاه‌های معاملات ملکی برمی‌گردد. نکته پرابهام در این مورد آن است که واسطه‌های معاملاتی فعال در این بنگاه‌ها معمولا همزمان، خریدار و فروشنده هر دو را نمایندگی می‌کنند. چنین موقعیتی تضاد روشنی را با خود به‌همراه دارد: چگونه ممکن است واسطه‌ای هم نماینده خریدار و هم نماینده فروشنده باشد! در همه جای دنیا، واسطه معاملات ملکی یا نماینده خریدار است یا نماینده فروشنده و از حقوق یکی از این دو دفاع می‌کند و تنها از یکی از دو طرف می‌تواند حق‌الزحمه دریافت کند. نماینده خریدار به‌دنبال آن است که به پایین‌ترین قیمت، زمین و ساختمان را برای خریدار بخرد و نماینده فروشنده به‌دنبال آن است که به بالاترین قیمت، زمین و ساختمان مشتری خود را بفروشد. به این ترتیب است که قیمت تعادلی عادلانه تعیین می‌شود. این وضعیت در ایران برعکس است: تنها انگیزه بنگاه معاملات ملکی آن است که معامله با هر قیمتی نهایتا انجام شود و این موضع طبعا تضادی را با خود حمل می‌کند؛ این وضعیت باید تغییر کند. کارمندان بنگاه‌های معاملات ملکی نباید اجازه داشته باشند هر دو طرف معامله، خریدار و فروشنده، را در آن واحد نمایندگی کنند. اصلاح این وضعیت کاملا ضروری به‌نظر می‌رسد. به‌علاوه، این واسطه‌ها لازم است از حداقل مدرک حرفه‌ای در حوزه ارزشیابی و نیز بازاریابی برخوردار باشند و نباید افرادی این نمایندگی را انجام دهند که کمترین سررشته‌ای از حوزه‌های علمی مربوط به موضوع ندارند. بازار اجاره نیز بازاری غیرشفاف است. قراردادهای اجاره باید در چارچوب پایگاه اطلاعاتی معینی جمع‌آوری شود تا مالکان و مستاجران از قیمت‌های معاملاتی اجاره در مناطق مختلف مطلع باشند. به‌علاوه، به‌نظر می‌رسد قانون حاکم بر روابط مالک و مستاجر نیز به اصلاح نیاز دارد. قیمت‌های اجاره بر اساس قواعد بازار باید به سمت قیمت‌های متوسط منسجم‌تری حرکت کند. تلاطم قیمت‌ها در این زمینه را می‌توان به اتکای سازوکارهای بازار تا حدی کنترل کرد. یک روش در این زمینه آن است که با لحاظ پرداخت‌هایی که تحت عنوان ودیعه (یا رهن) انجام می‌شود، کل رقم اجاره تعیین شود و موجر صرفا مجوز داشته باشد در هر سال حداکثر به‌میزان تورم اعلام‌شده توسط بانک مرکزی، نرخ‌های اجاره را تعدیل کند. البته اصلاحات در این زمینه باید به دقت انجام شود، چراکه وضع مقررات غلط یا اجرای نادرست مقررات، وضع را از موقعیت فعلی نیز بدتر می‌کند. اکنون که بعضی از دانشگاه‌های کشور در آستانه عرضه رشته مالی مستغلات به‌عنوان زیررشته‌ای از کارشناسی ارشد مالی‌اند، باید از فرصت استفاده کرد و خواستار آن شد که با اصلاح وضعیت ارزشیابی زمین و ساختمان، مقررات مربوط به اجاره، شفافیت اطلاعات معاملاتی، فعالیت کارآمد واسطه‌های املاک و مستغلات و رفتار معقول‌تر شهرداری‌ها در حوزه قیمت‌گذاری پروانه‌های ساختمانی و کاربری‌ها و شیوه‌های توسعه شهری، بازارهای زمین و ساختمان و اقتصاد مستغلات در ایران کارآمدتر شود.

نگاه سوم

مجری انتخابات

محسن رهامی
وکیل دادگستری

سخنگوی محترم شورای نگهبان قانون اساسی در مصاحبه اخیر خود با یکی از سایت‌ها گفته است اجرای انتخابات را نهاد و سازمان دیگری، به غیر از وزارت کشور می‌تواند برعهده بگیرد و به لحاظ قانون اساسی الزامی وجود ندارد که انتخابات در کشور از جمله انتخابات ریاست‌جمهوری توسط وزارت کشور انجام پذیرد. وی تاکید کرده است آنچه قانون اساسی صراحت دارد مساله نظارت بر انتخابات مختلف است که بر عهده شورای نگهبان است. (سایت فرارو- ۹۱/۴/۲۹)

اینکه انگیزه طرح این موضوع توسط سخنگوی شورای محترم نگهبان در شرایط فعلی کشور چیست؟ فعلا نگارنده قصد ورود به آن را ندارم، خصوصا که آقای باهنر، نیز موضع مشابهی را در مورد دستگاه مجری انتخابات اخیرا اتخاذ کرده است. (خبرآنلاین (۹۱/۴/۲۸)

در واقع مساله اجرای انتخابات مختلف به‌ویژه انتخابات ریاست‌جمهوری به لحاظ تاثیرگذاری در تمامی شوون زندگی مردم و سرنوشت سیاسی نظام حاکم از مسایل مهم و از جمله بحث‌های همیشگی آحاد ملت است و موضع‌گیری سخنگوی محترم شورای نگهبان و نیز نایب‌رییس محترم مجلس در این خصوص و طرح این مساله که نهاد و دستگاه‌های دیگری به جای وزارت کشور یا حتی به جای دولت می‌توانند به لحاظ قانون مسوولیت اجرای انتخابات را به عهده بگیرند در حالی که چند ماهی بیشتر به برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری نمانده، قابل تامل و درخور توجه است. همان‌طور که سخنگوی محترم شورای نگهبان گفته در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مجری انتخابات به صراحت مشخص نشده و این امر به موجب قوانین عادی بر عهده دولت به عنوان قوه‌مجریه و مشخصا بر عهده وزارت کشور نهاده شده است. بنابراین قوه‌مقننه می‌تواند در صورت لزوم هر دستگاه و نهاد دیگری را به جای وزارت کشور تعیین کند. آنچه در قانون اساسی مورد توجه شایان قرار گرفته مساله مهم اداره کشور براساس «آرای مردم» است. اصل ششم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود از راه انتخابات؛ انتخاب رییس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر آنها یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌شود.» در مورد نظارت بر انتخابات نیز اصل ۹۹ قانون اساسی نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی، ریاست‌جمهوری و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی (رفراندوم) را بر عهده شورای نگهبان قرار داده است و مسوولیت نظارت بر اجرای انتخابات شوراها نیز با توجه به ذیل اصل یک‌صدم قانون اساسی به موجب قانون عادی بر عهده مجلس شورای اسلامی است. اما مساله مهم‌تر از شکل اجرای انتخابات یا نهادهای مجری و ناظر آن، موضوع اطمینان مردم و ایجاد اعتماد کامل به حکومت و ملت در امر انتخابات است. بدین معنی که آنچه در انتخاب رییس‌جمهور یا نمایندگان مجلس و سایر منتخبان ملت حرف اول و آخر را می‌زند، باید رای مردم باشد. این اصل اصیل و غیرقابل اغماض اصل بی‌بدیل بوده و در تمامی نظام‌های مبتنی بر دموکراسی، تلاش دست‌اندرکاران حکومت در این راستا است که مردم اطمینان کامل بیابند که هیچ عامل دیگری غیر از رای مردم در سرنوشت سیاسی آنها از حیث انتخاب رییس‌جمهور و نمایندگان مجلس و امثال آن دخالت ندارد. به عبارت بهتر امروزه در سراسر جهان میزان مشروعیت و مقبولیت هر حکومتی، بستگی به میزان شفافیت انتخابات و درجه اطمینان مردم از برگزاری بدون عیب و نقص آنها است و در این مسیر و برای رسیدن به درجه مشروعیت و مقبولیت بالاتر و اعتمادسازی بیشتر علاوه بر اینکه مجریان و ناظران صالح و مورد اعتماد مردم را در چارچوب قوانین جاری هر کشور برای اجرا و نظارت انتخابات برمی‌گزینند، تلاش می‌کند برای ایجاد اطمینان بیشتر مردم، از نهادهای ناظر و امثال آن و نیز از نهادهای مستقل داخلی هم جهت نظارت بر امر انتخابات دعوت به همکاری کنند. حتی به لحاظ شکلی صندوق‌های انتخابات را از لفافه‌های پیچیده شده بر آن بیرون آورده از صندوق‌های شیشه‌ای برای انتخابات استفاده می‌کنند و به جای برگه‌های رای معمولی از کارت الکترال و برگه‌هایی با بارکدهای الکترونیکی قابل قرائت توسط دستگاه‌های الکترونیکی و شمارشگرهای بسیار قوی استفاده می‌کنند. همه این مقدمات، تجهیزات و تدارکات در جهت شفاف‌سازی در امر انتخابات و ایجاد اطمینان مردم است و به اصطلاح معروف (ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند) تا مردم ایمان و اعتماد قلبی به امر انتخابات و تاثیر رای خود پیدا کنند و این باور عمومی در جامعه‌ای ایجاد شود که تنها راه اصلاح امور و رسیدن به مسوولیت‌های بالاتر و تنها مسیر نیل به اهداف سیاسی فقط و فقط صندوق‌های رای است و لاغیر. در این راستا موضع‌گیری سخنگوی محترم شورای نگهبان و نایب‌رییس محترم مجلس را می‌توان تفسیر و تحلیل کرد و به این ترتیب برای اجرای انتخابات می‌توان نهاد و سازمان جایگزین دیگری اعم از نهادهای دولتی یا غیردولتی (منظور نهادهای عمومی غیردولتی و جز آن) پیشنهاد کرد. هر نهاد و سازمانی که اعتماد و اطمینان بیشتر مردم را جلب کند، از طریق قانون می‌تواند اجرای انتخابات را بر عهده بگیرد. البته تذکر این نکته در پایان گفتار نیز ضرورت دارد که موضوع‌سازی بیشتر در امر انتخابات تنها متوجه مجری انتخابات نیست بلکه شامل دستگاه نظارت نیز می‌شود و تصریح قانون اساسی در اصل ۹۹ خود در مورد مسوولیت قانونی شورای نگهبان در امر انتخابات منافاتی با استفاده از دستگاه‌ها و ناظران بی‌طرف ندارد و به اصطلاح «اثبات شیء نفی ما اداء نمی‌کند.» بنابراین همین‌طور که در بسیاری از کشورهای پیشرفته مرسوم است برای اعتمادسازی هرچه بیشتر در امر انتخابات می‌توان علاوه بر نظارت رسمی و قانونی شورای محترم نگهبان، از نمایندگان نهادهای مستقل و بی‌طرفی مانند نمایندگان مراجع عظام تقلید، کانون وکلای دادگستری و امثال آن در کنار نظارت شورای نگهبان استفاده کرد و به طور کلی مساله مهم در این جهت اطمینان دادن به مردم در موضوع انتخاب رییس‌جمهوری و نمایندگان مجلس است و امروزه در بسیاری از کشورهایی که روابط بسیار مناسبی با جمهوری اسلامی دارند و جزو کشورهای توانمند و مترقی نیز محسوب می‌شوند، در جهت اعتمادسازی بیشتر مردم چنین امری مرسوم است و این امر همان‌طور که قبلا گفته شد به هیچ‌وجه به معنی زیر سوال بردن استقلال سیاسی کشور یا به زیر سوال بردن صلاحیت نهادهای قانونی ناظر انتخابات نیست. امید است که در آستانه انتخابات مجال فرصت بیشتری در جهت رعایت مصالح عمومی کشور فراهم شود. مساله حیاتی است و سرنوشت‌ساز و باید مورد تجزیه و تحلیل و نقد و بررسی هرچه بیشتر قرار گیرد.

رییس کمیسیون اجتماعی مجلس:

بهترین راه اصلاح قانون انتخابات ورود مجلس است

شرق: کلید ماجرا را «عباسعلی کدخدایی» سخنگوی شورای نگهبان زد. همان روز که در گفت‌وگویی خبر از آمادگی شورای نگهبان برای اصلاح قانون انتخابات داد و پس از آن بود که «علی لاریجانی» رییس مجلس هم در دیدارش با آیت‌الله محمد یزدی اظهار کرد: «مجمع تشخیص مصلحت نظام مسوول تدوین سیاست‌های کلی قانون انتخابات است.» چنین بود که «محمدرضا باهنر» هم وارد ماجرا شد و اعلام کرد که مجمع تشخیص به دلیل مشکلاتی که وجود داشته است بررسی و اصلاح قانون انتخابات را کنار گذاشته است و این گویی شروع ماجرا بود که کدخدایی دوباره وارد شد و اعلام کرد: «قانون فعلی انتخابات، پاسخگوی نیازها نیست.» و این تنها سخن وی نبود که به گفته کدخدایی، اجرای انتخابات می‌تواند بر عهده هر بخش دیگری قرار بگیرد و نمایندگان مجلس می‌توانند این وظیفه را اصلاح کنند.» از همین‌رو است لابد که «عبدالرضا عزیزی» رییس کمیسیون اجتماعی مجلس هم در گفت‌وگوبا «شرق» می‌گوید باید اصلاح این قانون بر دوش مجلس باشد.

↙ سخنگوی شورای نگهبان اعلام کرده که قانون انتخابات باید تغییر کند. نظر شما درباره این مساله چیست؟

اینکه قانون انتخابات باید مورد بازبینی و اصلاح قرار بگیرد امری ضروری است و به نظر می‌رسد حتما باید به آن توجه کرد. به عنوان مثال چرا باید برای نمایندگان مجلس شرط کارشناسی ارشد وجود داشته باشد حال اینکه هنوز برای انتخابات ریاست‌جمهوری تنها سواد خواندن و نوشتن کافی است. از این‌رو است که می‌توان گفت قانون فعلی انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراها دارای نواقصی است که باید برطرف شود.

↙ و چه مواردی را برای تغییر در قانون ضروری می‌دانید؟

علاوه بر بحث ارتقای سطح تحصیلات، به نظر می‌رسد که باید به نقش و حضور احزاب در انتخابات به‌ویژه ریاست‌جمهوری و مجلس توجه ویژه‌ای شود. در قانون فعلی از آنجایی که احزاب نقش چندان پررنگی در انتخابات ندارند، در نتیجه پاسخگویی نیز چندان وجود ندارد اما اگر حضور در انتخابات به صورت حزبی باشد فردا روز چه در موفقیت، چه در شکست‌ها مرجعی برای پاسخگویی نیز وجود خواهد داشت.

↙ گفته شده است که بازنگری در قانون انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراها در دستور کار کمیسیون شوراهای مجلس قرار گرفته. تصمیم به اصلاح این قانون گرفته شده است؟

همان‌طور که آقای «خجسته» رییس کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس خبر داده‌اند، قرار است در این کمیسیون قانون انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراها مورد بازنگری قرار بگیرد. البته نمایندگان باید تلاش کنند این قانون جامع و مانع از کار در بیاید و تا پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراها در سال آینده تصویب شود.

↙ با این وصف نقش مجلس در اصلاح قانون انتخابات از سایر نهادها پررنگ‌تر است؟

مسلما همین‌طور است، وقتی مجلس قانونی را تصویب کند، دولت و سایر نهادها هم ملزم به اجرای آن هستند بنابراین اگر این اصلاح در مجلس صورت بگیرد و به دولت ابلاغ شود، دولت باید آن را اجرا کند.

↙ برخی منتقدان قانون انتخابات به بخش اجرایی آن که بر عهده دولت است ایراداتی را وارد می‌کنند و می‌گویند چون دولت ذی‌نفع ماجراست بهتر است که مجری انتخابات نباشد.

این نکته‌ای است که در ۳۰سال گذشته به آن بی‌توجهی شده است و هر دولتی منفعت خویش را مدنظر قرار داده است. به نظر می‌رسد زمان آن رسیده که به نفع مردم و دموکراسی این مساله حل شود و مسوولیت برگزاری انتخابات را نهادی دیگر که ذی‌نفع نباشد برعهده بگیرد. این مساله‌ای است که گریبانگیر همه دولت‌ها بوده است و منحصر به دولت فعلی هم نیست. بنابراین بهتر است که دولت از اجرای انتخابات کنار گذاشته شود و مجری آن نباشد.

↙ آقای باهنر اعلام کردند که اصلاح قانون انتخابات از دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام خارج شده است. به نظر شما مجمع در اصلاح این قانون چه میزان نقش می‌تواند ایفا کند؟

اگر اصلاح قانون از سوی مجلس به شورای نگهبان رفت و شورای نگهبان آن را رد کرد، مجمع تشخیص مصلحت باید وارد شود. بنابراین بهترین راه، ورود مجلس است.

نفت، داستانی ناتمام

علی مندنی‌پور

«نزاع» بر سر چنگاندازی به «طلای سیاه» از تاریخ پیدایش، رقابت صاحبان قدرت را برانگیخته و مصداق بارز این نحوه نگرش را پیش و به‌ویژه پس از ملی شدن صنعت نفت در رفتار قدرت‌های بزرگ و زیاده‌طلب چون انگلیس و شوروی سابق و آمریکا در تاریخ روابط سیاسی‌شان با ایران می‌بینیم. ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ محصول نامیمون این نوع نگاه است. هزینه سنگینی که چندی بعد از صدور رای دیوان داوری لاهه بر گرده ملت تحمیل شد. هزینه‌ای که از زبان دکتر مصدق در آن نطق ۷۰ دقیقه‌ای تاریخی‌اش، «تصمیم ملی شدن صنعت نفت» را «نتیجه اراده سیاسی یک ملت مستقل و آزاد...» قلمداد کرده بود. هزینه «پرده‌دری از مظالم انگلستان و رژیم ساخته و پرداخته کلنل آیرون‌ساید» و آشکار کردن ماهیت رژیمی که از آن شرکت غاصب انگلیس ساخته «شرکت نفت ایران و انگلیس» نیم قرن حمایت کرده بود! تا بوده و نبوده از پیدایش نفت تا به امروز، نقش ابرقدرت‌ها با توجه به ماهیت و جوهره ذاتی وجودی آنان در جهت‌دهی به «سیاست عمومی» کشورها و به‌ویژه کشورهای نفت‌خیز همواره پررنگ و چه بسا تعیین‌کننده بوده است. کشور ایران نیز دست‌کم تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی جز در یک دوره ۱۲ساله (۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲) از این قاعده مستثنا نبوده! ۳۱ تیر ۱۳۳۱ را بهانه‌ای قرار دادیم تا برگی از تاریخ زندگی پر فراز و فرود مام وطن را نه از دید سیاسی و تاریخی و اجتماعی که از دریچه «حقوقی» به اختصار ورق زده و به نظاره بنشینیم. به این امید که درس آموزنده‌ای باشد برای همه دوستداران کیان و فرهنگ این آب و خاک به‌ویژه نسل جوان، این آینده‌سازان ایران فردا. سخن از روند شکل‌گیری شکایت انگلیس از ایران در جریان دیوان داوری بین‌المللی لاهه در میان است. بررسی سیر تاریخی اختلاف ایران و انگلیس و علل و عوامل بروز آن در این نوشته نمی‌گنجد؛ لذا نیاز آشنایی بیشتر با چارچوب دعوی ایجاب می‌کند شرح کوتاهی از سیر «حقوقی» پرونده ارایه شود. گزارش وجود رگه‌هایی از نفت در کشور «کتابچی‌خان» ارمنی را بر آن داشت تا در سال ۱۸۹۲ میلادی امتیاز کشف و استخراج آن را از مقامات مسوول دولتی کسب کند. وی در رایزنی برای جلب سرمایه‌داران از طریق «درامونود ولف» وزیر مختار بریتانیا با ویلیام ناکس دارسی باب آشنایی باز کرد و این سرمایه‌دار انگلیسی را به سرمایه‌گذاری در معادن نفت ایران ترغیب کرد. پس از آنکه کارشناسان اعزامی از جانب دارسی وجود نفت را در استان‌های خوزستان و کرمانشاهان تایید کردند، مهندس کتابچی‌خان بر آن شد تا از طریق امین‌السلطان صدر اعظم، موافقت مظفرالدین‌شاه را برای عقد قرارداد استخراج نفت به دست آورد که موفق شد. استخراج نفت در آن شرایط و با آن امکانات محدود در بادی امر درآمد قابل توجهی را نصیب سرمایه‌گذاران نکرد. اما با گذشت زمان اهمیت این ماده خود را نشان داد تا هنگامی که در اروپا و به‌ویژه در نیروی دریایی بریتانیا سوخت کشتی‌ها از ذغال سنگ به نفت تبدیل شد. به تدریج دولت بریتانیا ۵۰درصد از سهام شرکت دارسی را خریداری کرد و از این زمان است که نفت از یک وسیله اقتصادی صرف به یک ابزار سیاسی مهم تغییر ماهیت داد! «در سال ۱۳۲۸ قرارداد الحاقی «گس-گلشاییان» به امضای سر نویل گس (نماینده شرکت نفت انگلیس) و عباسقلی گلشاییان (وزیر دارایی ایران) رسید. مهم‌ترین امتیازی که این قرارداد برای ایران به ارمغان آورد افزایش میزان حق‌الامتیاز ایران از چهار شلینگ به شش شلینگ در هر تن نفت خام بود که باز هم از قرارداد پنجاه پنجاهی که پیش‌تر میان شرکت آمریکایی «آرامکو» و عربستان سعودی منعقد شد کمتر بود. به همین دلیل و نیز با توجه به حمایت قرارداد اخیر از طرف دولت انگلیس، آن هم در مجلس پانزدهم با مخالفت تعدادی از مجلسیون به رهبری «دکتر محمد مصدق» روبه‌رو شد و هرگز از تصویب مجلس نگذشت. تا اینکه در ۲۶ اسفند ۱۳۲۹ فراکسیون نهضت ملی مجلس شانزدهم، قانون ملی شدن نفت در سراسر ایران را در ۹ ماده تصویب کرد و سه روز بعد در ۲۹ اسفند مجلس سنا بر این قانون صحه گذاشت و این روز، روز ملی شدن نفت اعلام شد.» دو ماه و چند روز پس از ملی شدن صنعت نفت، انگلیس به استناد معاهده ۱۳۱۲ شمسی (منعقده میان تهران و لندن) شکایتی علیه ایران تنظیم و به «دیوان لاهه» ارسال کرد.» دیوان نیز همان روز دادخواست انگلیس را به وزارت خارجه ایران تسلیم کرد. به دنبال این شکایت دولت مصدق اعلام کرد چون معاهده ۱۳۱۲ یک قرارداد بین‌المللی نیست، لغو آن به منزله نقض قوانین بین‌المللی به شمار نمی‌رود و لذا شکایت انگلیس از ایران بی‌مورد است...» «کشمکش‌ها بین دو دولت ایران و انگلیس بسیار بالا گرفت تا جایی که وزیر خارجه انگلیس اعلام کرد ممکن است وضع وخیمی در جنوب ایران پیش آید که مسوولیتش برعهده دولت ایران است. مصدق در پاسخ گفت: «ملت ایران از ملی شدن نفت خود یک هدف عمده دارند و آن این است که در امور داخلی ما دخالت نکنند.» سرانجام دیوان لاهه از طرفین خواست تا صدور رای نهایی از هرگونه اقدامی که به طرف دیگر لطمه بزند، پرهیز کنند. شورای امنیت سازمان ملل رسیدگی به شکایت انگلیس از ایران را در دستور کار خود قرار داد. نماینده انگلیس در این جلسه ناچار شد به این مهم اذعان کند که: «قرارداد نفت میان دولت ایران و یک کمپانی انگلیسی هیچ نوع حقوقی برای دولت انگلیس ایجاد نمی‌کند.» و در چنین موقعیتی بود که بنا به پیشنهاد فرانسیس لاکوست نماینده دولت فرانسه در شورای امنیت با رای اکثریت موضوع تا زمان تصمیم‌گیری دیوان داوری لاهه مسکوت گذاشته شد و انگلیس در این حرکت نیز توفیقی حاصل نکرد! عنوان شکایت مطروحه انگلیس از ایران «مغایرت ملی شدن نفت با قوانین بین‌المللی و تقاضای محکومیت ایران به دلیل اجرای خلع ید» بود. جلسات دیوان دادرسی لاهه در رسیدگی به شکایات انگلیس علیه ایران (موضوع اختلاف ایران و شرکت نفت سابق انگلیس) از ۱۹ خرداد ۱۳۳۱ شروع و تا دوم تیر همان سال ادامه یافت. بیشترین بار دفاع از حقوق ایران برعهده «پروفسور رولن» بود. دادگاه پس از ۱۲ جلسه وارد شور شد و در ۳۱ تیر ۱۳۳۱ با ۹رای مخالف در برابر پنج رای موافق حکم خود را مبنی بر عدم صلاحیت دیوان بین‌المللی لاهه در رسیدگی به دادخواست انگلستان صادر کرد. خلاصه رای چنین بود: «دیوان چنین نتیجه می‌گیرد که صلاحیت رسیدگی به شکایت دولت انگلیس را ندارد و ورود خود در مسایل دیگری را که صلاحیت دیوان عنوان شده نیز لازم نمی‌داند.» بنابراین طی قراری که دیوان در تاریخ پنج ژوئیه ۱۹۵۱ صادر کرد، اعلام داشت اقدامات تامینی مصرح در قرار قبلی از اعتبار ساقط است و هیچ‌گونه اثری بر آن مترتب نیست. مبنای شکایت ارایه شده انگلیس به دیوان داوری لاهه: دولت انگلستان ۲۶ ماه می ۱۹۵۱ برابر با پنج خرداد ۱۳۲۰ دادخواستی علیه دولت ایران تسلیم دیوان داوری لاهه کرد و مبنای صلاحیت دیوان را اعلامیه ۲۸ فوریه ۱۹۴۰ خود و اعلامیه ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۲ قرار داد و از دیوان درخواست کرد دولت ایران را برابر ماده ۲۲ قرارداد امتیاز ۱۹۳۳ با شرکت نفت ملزم کند تا اختلاف حاصله را به داوری رجوع و رای داور را بپذیرد. و در صورت عدم پذیرش دولت انگلستان تقاضا دارد که دیوان اعلام کند دولت ایران با ابطال قرارداد مذکور عملی مخالف اصول و قواعد حقوق بین‌الملل انجام داده و بنابراین قرارداد مزبور به اعتبار خود باقی باشد و خسارات وارده به شرکت نفت را دولت ایران تقبل و پرداخت کرده و نحوه پرداخت را دیوان تعیین کند. دولت انگلستان در تاریخ ۲۲ ژوئن همین سال به استناد ماده ۴۱ اساسنامه دیوان تقاضای صدور دستور موقت می‌کند. این تقاضا مورد پذیرش واقع می‌شود و دستور موقت مورخه پنج ژوئیه ۱۹۵۱ با اکثریت ۱۰ رای در مقابل دو رای مخالف صادر می‌شود.

ادامه در صفحه ۲۰

الو شرق ۸۸۶۵۴۳۹۰
sharghline@sharghnewspaper.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

■ **درخواست از قوه قضاییه:** چند نفر از اراذل و اوباش در خیابان اتابک تهران، یک زوج جوان را به شدت مورد هجوم قرار دادند و مشکلات فراوانی برایشان به وجود آوردند. از قوه قضاییه تقاضا داریم با افرادی که مخل آسایش مردم می‌شوند، به شدت برخورد کند. از نیروی انتظامی هم تقاضا داریم گشت‌های بیشتری برای کنترل محله اتابک در نظر بگیرند، زیرا این محل جرم‌خیز است و ساکنان آن به‌علت درگیری‌های خیابانی و توزیع مواد مخدر آسایش ندارند.

اسماعیل عرب‌یارمحمدی

■ **علاقه‌مندان روزنامه شرق پشت درهای بسته!** با آنکه در سایت روزنامه شرق عضو شده‌ام، سایت باز نمی‌شود. امیدواریم مسوولان روزنامه مانند گذشته صفحه‌ها را در سایت قرار دهند تا علاقه‌مندان به‌راحتی به مطالب دلخواهشان دسترسی داشته باشند.

یک شهروند

■ **اطعام به نیازمندان:** ماه مبارک رمضان، ماه روزه‌داری و اطعام نیازمندان بر هموطنان گرامی مبارک‌باد. امیدواریم روزه‌داران و افرادی که می‌خواهند میهمان دعوت کنند، بیشتر به فکر نیازمندان واقعی باشند و آنان را پای سفره افطاری بنشانند.

علی از تهران

■ سلام؛ جمعی از ساکنان نازی‌آباد، خیابان شهید خالقی‌پور هستیم. ظرف یک ماه اخیر ۱۵ روز تلفن‌مان قطع بوده. مسوولان مرکز مخابرات بعثت جوابگو نیستند و اگر به‌صورت اتفاقی جواب تلفن‌ها را بدهند، مدام سرقت کابل‌ها را دلیل قطعی می‌دانند. از ۲۶تیر دوباره تلفن‌ها قطع شده. چه کسی جوابگو است؟

■ در بسیاری از نقشه‌های دیجیتالی و غیردیجیتالی موجود در کشور، از نام‌ها و مالکان جعلی برای خلیج فارس و جزایر ایرانی آن استفاده می‌کنند. باید از تولید یا واردات این نقشه‌های دروغین جلوگیری شود.

حسین جعفری

■ سلام؛ خسته نباشید. لطفا یک ویژه‌نامه درخصوص مسایل مربوط به سوریه تهیه و تدوین بفرمایید.

■ سلام؛ ۱۰ روز است که تلفن‌های مردم منطقه شکوفه در پیروزی با پیش‌شماره ۳۳۳۵ قطع شده و بارها با مخابرات تماس گرفتیم، اما رسیدگی نمی‌کنند. ظاهرا مشکل به تخریب‌های اتوبان امام علی(ع) ربط دارد.

جمعی از ساکنان

■ با سلام؛ شما را به خدا درمورد یک‌طرفه کردن خیابان پروانه در بلوار فردوس تذکر دهید. با اینکه عرض خیابان کم است ولی دوطرفه است. هر روز شاهد چندین مورد زدوخورد و درگیری هستیم.